

## مقایسه وظایف نهاد حسبه و مدیریت شهری نوین در ایران

سیدصدرالدین حسینی مشهدی\*

غلامرضا کاظمیان\*\*

### چکیده

«نهاد حسبه» از اساسی‌ترین نهادهای حکومتی-شهری پیش از دوران آغاز فعالیت‌های نوین شهرداری در ایران به‌شمار می‌رود. هرچند در آن دوره از تاریخ ایران، نظام اداره شهری مبتنی بر محوریت حکومت‌های محلی نبوده، اما نظام عملکردی و نظارتی آن یکپارچه بوده است و تفرقی در اجرا و نظارت بر امور دینی-اخلاقی، اجتماعی-اقتصادی و قضائی-انتظامی وجود نداشته است؛ به سخن دیگر، وظایف اجرا و نظارت در این عرصه‌ها به عهده «نهاد حسبه» بوده است. مقایسه وظایف «نهاد حسبه» و مدیریت شهری در ایران از آن جهت که می‌تواند عرصه‌های جدیدی را فراروی مدیریت شهری امروز قرار دهد، حائز اهمیت است. این بررسی مقایسه‌ای در پژوهش حاضر پس از ترکیب نتایج تحقیقات پیشین در رابطه با وظایف نهاد حسبه از روش فراترکیب انجام شده است. مدل مفهومی حاصل از فرایند فراترکیب مذکور نشان می‌دهد که وظایف اصلی نهاد حسبه مشتمل بر نظارت بر امور قضائی-انتظامی، نظارت بر امور دینی-اخلاقی و نظارت بر امور اجتماعی-اقتصادی بوده است. با مقایسه وظایف نهاد حسبه و مدیریت شهری می‌توان بعدی با مضمون یا با نام «بعد فرهنگی» به حوزه‌های عملکردی مدیریت شهری افزود که وظیفه نظارت بر مسائل فرهنگی و اخلاقی جامعه شهری را به عهده داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: نهاد حسبه، احتسابیه، مدیریت شهری، مدیریت شهری یکپارچه.

## ۱. مقدمه

ایران به لحاظ سابقه تاریخی مدیریت شهری به سبک نوین، یک از قدیمی ترین ها در کشورهای در حال توسعه محسوب می شود؛ اما مدیریت شهری ما به هیچ وجه محدود به صد سال گذشته نیست، بلکه اداره شهر در ایران قدمتی طولانی دارد. سابقه شهرنشینی در ایران از زمان هخامنشیان یکی از طولانی ترین سوابق شهرنشینی در جهان است. شرایط و موقعیت های ویژه فرهنگی، سیاسی و جغرافیایی، تصویر متمایزی برای شهرهای این سرزمین ایجاد کرده اند که در ابعاد مختلف مادی و غیرمادی حیات شهری، از جمله نظام اداره امور شهرها قابل مشاهده اند (کاظمیان، ۱۳۷۳).

فعالیت های شهرداری به شکل نوین در ایران به دوران پس از مشروطه مربوط می شود که آغاز آن با تصویب قانون بلدیة در دوره اول مجلس شورای ملی در سال ۱۲۸۶ ش. همراه است. اما پیش از آن نهاد حسبه متولی مدیریت شهرها در ایران به شمار می رفته است. این نهاد تا زمان مشروطه در ایران وجود داشته و مؤیداتی بر لزوم آن نیز در دسترس بوده است، اما پس از مشروطه منحل شده و وظایف آن به نهادهای مختلف دیگری از جمله مرجعیت، نظمیه، بلدیة و... سپرده شده است. حسبه، در اصطلاح به وظیفه حکومت اسلامی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر گفته شده که ریشه در قرآن و حدیث دارد. به سخن دیگر، حسبه خدمتی دینی است که متوجه حکومت اسلامی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر است و سابقه تاریخی این نهاد همچون بسیاری از نهادهای حکومتی با چهره مدیریت بازار آغاز می شود.

از آن جهت که بیشتر پژوهش های مدیریت شهری در ایران به دوران پس از تصویب قانون بلدیة اختصاص دارند و توجه چندانی به پیش از این دوران نشده است، عنایت به نحوه مدیریت شهرها در این مقطع زمانی (پیش از تصویب قانون بلدیة) حائز اهمیت است. البته در پژوهش های موجود مرتبط به حسبه نیز بیشتر از نظر فقهی-حقوقی به آن نگریسته شده و ابعاد مدیریتی آن تا حدوی مغفول مانده اند. از این رو، انجام پژوهشی با هدف بررسی وظایف این نهاد و مقایسه آن با وظایف امروزی مدیریت شهری می تواند ابعدی از سنت مدیریت شهری در ایران را آشکار سازد.

## ۲. ادبیات و مبانی نظری تحقیق

### ۲-۱. حسبه

#### ۲-۱-۱. مفهوم شناسی حسبه

حسبه، اسم مصدر و از ریشه حسب به معنای شمارش کردن است. کاربردهای دیگری هم از قبیل طلب اجر، نیکویی در تدبیر و اداره امور، خبرجویی کردن و انکار و خرده گیری بر کار زشت کسی،

برای آن در کتاب‌های لغت آمده است (صرامی، ۱۳۷۷). حسبت، متضمن نظام به هم پیوسته‌ای است که هم حکومت و هم اجتماع را در بر می‌گیرد.

## ۲-۱-۲. نهاد حسبه

حسبه از نهادهای اداری-مذهبی است که شروع آن را می‌توان از دوره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دانست که این روند در زمان خلفا نیز ادامه پیدا کرده است. این نهاد به‌عنوان یک نهاد حکومتی از دیرباز در کتاب‌های مربوط به احکام سلطانیه و مانند آن ذکر شده و میان اهل سنت شناخته شده است.

این نهاد وظیفه نظارت بر اداره امور شهری و رفتار شهروندان بر مبنای احکام شرعی و عرفی جامعه اسلامی را به عهده داشته و محتسب عهده‌دار آن بود. محتسب از سوی امام یا نایب او برای نظارت بر احوال مردم و بازبینی مصالح آنان منصوب می‌شده است و این نهاد یک رئیس و چندین دستیار داشته که به طور شبانه‌روزی در کوچه‌ها و بازارها می‌گشتند و جلو تعدی و اجحاف و تجاوز به حقوق عمومی را می‌گرفتند (جعفری، ۱۳۶۳، ص ۳۶).

در آغاز پیدایی نهاد حسبه، که عصر اقتدار خلفای عباسی بود، فرمان نصب و عزل محتسب را خلیفه یا نایبان او در ولایات صادر می‌کردند. پس از آنکه آل بویه و سلجوقیان بر خلفا چیره شدند و سلطنت از خلافت جدا شد، تعیین مناصب دینی، همچون حسبه، برعهده سلطان یا وزیر گذاشته شد، اما چون خلفای عباسی هنوز تشریفات درباری را حفظ کرده بودند و شاهان نیز به نام و القاب و خلعت خلیفه برای کسب مشروعیت خود نیاز داشتند، خلفا در نامه‌ها و فرمان‌های تشریفاتی، همه وظایف دیوانی و دینی در ولایات، از جمله حسبه، را به امیران و سلاطین واگذار می‌کردند و گاه فقط در بغداد بدون واسطه محتسبانی برمی‌گزیدند. انتصاب محتسبان در شهرهای کوچک برعهده والیان و حاکمان محلی بود و معمولاً محتسبان از ساکنان محلی انتخاب می‌شدند و گاه وظیفه انتخاب محتسبان برعهده قاضی القضاات گذاشته می‌شد (بادکوبه، ۱۳۸۸، ص ۲۳۸).

در این دوره نهاد حسبه چنان دامنه و گسترشی داشته که در کمتر موردی دخالت نداشت. با گسترش امور بازرگانی، صنعتی و تولیدی و جهانگردی که در پی پهنآوری سرزمین و دولت اسلامی چهره بست، در نیمه سده دوم هجری، در روزهایی که آغاز حکومت حاکمان عباسی بود، سازمان حسبه آغاز به کار کرد. نام‌گذاری حسبه به‌عنوان کاری مستقل در این دوران پاگرفت تا هم پالایشی باشد برای دادرسی و هم کاهش برای کارهای فراوان و انبوهی که خلیفگان، امیران و قاضیان انجام می‌دادند (شبارو، ص ۲۱) از این رو، حسبه به‌عنوان یک نظام اداری به آغاز حکومت عباسیان و به احتمال قوی به عصر منصور عباسی بازمی‌گردد (بادکوبه، ۱۳۸۰، ص ۱۳۱).

سازمان حسبه در ایران میراث خلافت عباسیان بود که همراه با دیگر سازمان‌های دینی پس از سقوط خلافت عباسی در امپراتوری‌ها و شاهنشاهی‌های ایران برپا شد و تا سده سیزدهم (قرن نوزدهم میلادی) نیز از میان نرفت. (ساکت، ۱۳۸۲، ص ۴۰۶) این نهاد در عهد غزنویان و سلجوقیان به ویژه در سده پنجم هجری، شکوه و اهمیت ویژه‌ای داشت. مسئولان حسبه از سوی قضات یا امیران، یا استانداران فرمان داشتند و به پشتوانه پشتیبانی سلطان و فرمانروا با سختی و جسارت وظایف خود را انجام می‌دادند.

در دوران سلجوقیان اعضای طبقه مذهبی به منصب حسبه گمارده می‌شدند و وظیفه اصلی محتسبان، امر به معروف بود (سری، ۱۳۷۸، ص ۱۶۳). در دوران ایلخانان و تیموریان، چهره محتسب با دوران‌های پیشین متفاوت ترسیم نمی‌شود. تنها برخی معتقدند که در این دو دوره محتسبان با وظیفه امر به معروف ارتباطی نداشتند، اما به کار سنتی نظارت بر بازار سرگرم بوده‌اند. آنان در اجرای وظیفه‌هایشان بسیار سهل‌انگار و مسامحه‌کار بوده و از مقام‌های خود به نفع خود استفاده می‌کرده‌اند (همان، ص ۱۶۵). در دوران صفویان نیز موقعیت محتسب با دوران قبل، تفاوت اساسی نمی‌کند. همچنان که در عمل دیده می‌شود، محتسب جنبه دنیوی و ماهیت عملی صرف داشته و محتسبان به ندرت از بزرگان مذهبی بوده‌اند (همان، ص ۱۶۶). پس از دوران صفویان، در زمان حکومت نادرشاه و جانشینانش و پس از آن در زمان زندیان اهمیت وظیفه محتسب کاهش یافت. شاید این امر به سبب بی‌قانونی و اغلب هرج و مرجی است که در بخش اعظم این دوران بر ایران حکمفرما بوده است (همان، ص ۱۶۷). به نظر می‌رسد در آغاز دوران قاجاریان که هنوز منصب محتسب از ضربه‌ای که در سده هجدهم میلادی دیده بود رنج می‌کشید، اهمیتش کاستی گرفته بود تا حدی که معین کردن قیمت خوراک که یکی از وظیفه‌های محتسب بود نیز گویا در حوالی پایان سده نوزدهم متروک شده بود (همان، ص ۱۶۸).

آنچه باعث کاهش منزلت و اعتبار اجتماعی-مذهبی این نهاد پس از عهد مغول و در دوره صفویه و قاجاریه شد، ازدیاد قدرت استبدادی و ضعف نهادهای اجتماعی و مذهبی بود که از یک سو از قدرت و اختیارات محتسب کاست و از سوی دیگر ضرورت رعایت همه شرایط و صلاحیت‌های لازم برای محتسب را از میان برداشت (کاظمیان، سعیدی، ۱۳۸۱، ص ۳۰).

## ۲-۱-۳. احتسابیه و ارتباط آن با دیگر نهادهای اداره شهر

سابقه نخستین نهادهای رسمی برای اداره امور شهر در ایران به چند دهه پیش از مشروطیت در دوران قاجار باز می‌گردد که برای اولین بار سازمانی رسمی به نام «احتسابیه» که دارای دو شعبه احتساب و تنظیف بود تشکیل شد (سلطانزاده، ۱۳۶۵). در واقع، وظیفه عمده این نهاد،

سامان دادن به امور اصناف و رتق و فتق امور عمومی شهر و به اعتباری نظارت بر حسن رفتار شهروندان و تابعیت از حکام محلی از طریق این نهاد، یعنی احتسابیه بود. در احتسابیه اداره امور روزمره و اجرائی شهر از سوی حاکم به عهده کلانتر که همان مدیر احتسابیه بود، سپرده می‌شد، تا در چارچوب این نهاد به هدایت و سازماندهی امور اجرائی شهر بپردازد. داروغه و محتسب از جمله افرادی بودند که در انجام این وظیفه کلانتر را یاری می‌دادند و بازوی اجرائی وی بودند. مقامات احتسابیه از ناحیه شاه منصوب می‌شدند و تابع او بودند. احتسابیه در سال‌های بعد در تشکیلات جدید پلیس ادغام شد و مدیریت محلی با قدرت انتظامی پیوند خورد و «اداره جلیله پلیس دارالخلافه و احتسابیه» تشکیل شد (ایمانی، ۱۳۸۶، ص ۱۱). این اداره به‌طور خلاصه دارای محتسب، چند نفر نایب، تعدادی سقا و چند نفر سپور بوده است (رشیدی، ۱۳۴۲، ص ۱۵۷). به‌طورکلی احتسابیه، هم وظایف نظمی را به عهده داشت و هم امور شهرداری را ترتیب می‌داد و نیز مدیریت اداری دیگر در شرح وظایفش گنجانده بودند. افزون بر این، به تعبیر دهخدا، حسبه واسطه میان قضا و مظالم نیز بوده است.

در این دوران چون قانون مدونی برای به نظم آوردن امور شهر و تعیین حقوق و وظایف شهروندان وجود نداشت، تصمیم‌گیری درباره بسیاری از امور، طبق نظریات شخصی حاکم و کارگزاران وی صورت می‌گرفت. در این میان قوانین شرع تا اندازه‌ای رعایت می‌شد و قضات شرع در امور حقوقی و انتظامی صاحب رأی بودند. با توجه به مسئولیت‌هایی که کلانتر، محتسب و داروغه در این دوره بر عهده داشتند، نهاد احتسابیه را بیشتر باید نهادی معادل نظمی یا نیروی انتظامی به‌شمار آورد تا بلدیة یا شهرداری.

پس از روزگار صفویان، نهاد حسبه در ایران، فروکش می‌کند و به گونه فزاینده‌ای این جهانی می‌شود. آن دست از وظایف محتسب، که به اجرای حقوق اسلامی (فقه) پیوند می‌یافت، در عمل از آن جدا می‌شود و مرجعیت تقلید اداره آن را به دست می‌گیرد. این وظایف شامل گردآوری مالیات‌های اسلامی خمس و زکات و رسیدگی به میراث و وصیت‌ها و نصب و عزل قیم‌های صغار و دیگر محجوران بود که بر روی هم به نام «امور حسبی» شهرت گرفت. مراجع تقلید خود به کسانی که عادل بودند و به احکام شرع آشنایی داشتند اجازه‌هایی برای اداره این امور صادر می‌کردند. آنجا که وظایف محتسب به پاکیزگی شهرها و خیابان‌ها مربوط می‌شد، داروغه و کلانتر به جای او به انجام آن پرداختند و وظیفه محتسب در چارچوب سنگ‌های وزن و پیمان‌ها و بازرسی نرخ‌ها - در صورت دستور داروغه - به تنگنا کشیده شد (ساکت، ۱۳۸۲).

در سال ۱۲۸۵ش و با پیروزی نهضت مشروطه، به دلیل مشکلات متعددی که در اداره امور شهرها در زمینه‌هایی مانند بهداشت شهری، آبرسانی و... وجود داشت، نمایندگان مجلس اول

درصد تدوین قانونی برای اداره امور شهرها برآمدند، که این عمل به تدوین نخستین قانون شهرداری‌ها با عنوان «قانون بلدیة» در تاریخ ۱۹ خرداد ۱۲۸۶ ش انجامید. پیامد قانون جدید انحلال همه نهادها و مؤسسات مؤثر در اداره شهر بود.

بدین‌سان محتسب به‌عنوان یک مأمور نهاد دینی که مسئول اخلاق عمومی بود، در پایان سده دوازدهم هجری/نوزدهم میلادی از تکاپو باز ماند. با تشکیل دادگستری و تصویب قانون امور حسبی در سال ۱۳۱۹ ش/۱۹۴۰ م وظایف محتسب در نصب و عزل قیم صغار و وصیت و ارث به دادگاه‌های دادگستری سپرده شد (ساکت، ۱۳۸۲). در واقع وظایفی که احتسابیه روزی به تنهایی انجام می‌داد، سازمان‌ها و ادارات گوناگون به عهده گرفتند. از یک سو دادگاه‌های خلاف (صلح) و شهربانی و از سوی دیگر شهرداری و سازمان بهداشت و بنیادهای وابسته به کارهای صنفی و بازرگانی و اداره سرپرستی دادرهای عمومی و حتی دادستان‌های دادرهای عمومی وظایف و صلاحیت‌های نهاد حسبه را انجام می‌دادند (ساکت، ۱۳۸۲).

## ۲-۲. مدیریت شهری

هرچند بسیاری از پژوهشگران معتقدند تعریف مشخصی برای مدیریت شهری وجود ندارد (Stren 1993, Mattingly, 1994, Werna, 1995)، اما تلاش‌هایی برای آشکارسازی و ارائه دیدی کل‌نگر از مدیریت شهری صورت گرفته است. در این نگاه مفهوم مدیریت شهری فراتر از مفهوم صرف اداره امور شهر است که با ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پیوند می‌یابد. در این نگرش، مدیریت شهری مسئولیتی استراتژیک تلقی می‌شود که به ناچار نتایج عملیاتی نیز دارد و به همین دلیل تعامل آن به حوزه‌های قدرت، سیاست، اجتماع و اقتصاد شهری اجتناب‌ناپذیر است (MacGill, 1998).

با این حال، محور اصلی در یک مجموعه از تعریف‌ها تکیه بر روشی است که به واسطه آن سازمان‌های عمومی به فعالیت می‌پردازند. برخی اوقات مدیریت شهری به‌عنوان مجری سیاست‌ها دیده شده و در زمانی دیگر گرچه به‌عنوان اجرا تلقی شده، اما گستره آن از اداره عمومی صرف، فراتر می‌رود. برخی در تعریف مدیریت شهری به دو دیدگاه اشاره کرده‌اند؛ نخستین دیدگاه، منظور از مدیریت شهری را ترکیب کیفیاتی مانند برنامه‌ریزی کالبدی شهر، مدیریت پروژه، اداره امور عمومی، مدیریت سازمان‌های تجاری و... می‌داند که پیش از آن جدا از هم بودند. این دسته معتقدند با این ترکیب می‌توان کارهای بیشتر و مؤثرتری در زمینه اداره امور شهری انجام داد. دومین دیدگاه، نظری است که معتقد است ترکیب جدید ایده‌های قدیمی، همه آن چیزی نیست که در اداره امور شهری جستجو می‌شود. واژه مدیریت به معانی مختلفی به‌کار می‌رود که می‌توان واژه

مسئولیت به معنای تعهد داوطلبانه را برای آن برگزید. اما به نظر می‌رسد اغتشاش مفهومی درباره مدیریت شهری مانع از آن می‌شود تا مسئولیت‌هایی که بازیگران بالقوه باید تعهد کرده و انجام دهند، شناخته شوند. از این رو، تعریف مدیریت شهری امری دشوار و چه بسا ناممکن باشد.

با این حال شاید بتوان به بیانی ساده مدیریت شهری را تعهد و مسئولیت مداوم برای انجام اقداماتی به منظور دستیابی به اهداف مشخص در ارتباط با موضوعات معین تعریف کرد که این تعریف چهار مفهوم کلیدی موضوع مدیریت شهری، اهداف مدیریت شهری، اقدامات مدیریت شهری و مسئولیت مدیریت شهری را دربردارد. موضوع مدیریت شهری آن چیزی است که با زندگی شهری مرتبط است (اعم از فضاها، شهرها و آنچه در این فضاها اتفاق می‌افتد)، از حیث هدف، اهداف متنوعی برای مدیریت شهرها وجود دارند که از آن جمله می‌توان به بهبود بهره‌وری شهری، کاهش فقر، حفظ محیط زیست اشاره کرد که در اسناد سیاستی بانک جهانی در سال ۱۹۹۱م. آمده است. اقدامات مدیریت شهری به وظایف و فرایندها قابل تقسیم‌اند. وظایف فعالیت‌هایی را که در شهرها روی می‌دهد را متأثر ساخته و فرایندها، دربرگیرنده این وظایف هستند؛ فرایندها در قالب ساخت و توسعه، بهره‌برداری، نگهداری، تأمین منابع و برنامه‌ریزی قابل دسته‌بندی هستند. مسئولیت مدیریت شهر نیز با کسانی است که آن را به عهده می‌گیرند. مدیریت شهری را نمی‌توان به کسی یا نهادی محول کرد. کیفیت مسئولیت آن به نحوی است که باید به گونه‌ای داوطلبانه و ارادی پذیرفته شود. مسئولیت فراسوی وظایف و قدرت مشروع و قانونی است (برک‌پور و اسدی، ۱۳۸۸، ص ۷۸-۹۵).

بنابراین اگر بخواهیم با لحاظ این مسائل تعریفی نسبتاً جامع از مدیریت شهری ارائه کنیم می‌توانیم بگوییم مدیریت شهری عبارت است از فرایند ایجاد، اجرا، هماهنگی و ارزیابی استراتژی‌های یکپارچه به کمک مقامات شهری با در نظر گرفتن اهداف عملیاتی بخش خصوصی و منافع شهروندان، در چارچوب سیاستی که در سطوح بالاتر حکومت برای تحقق پتانسل توسعه اقتصادی پایدار تدوین می‌شود (Van Dijk, 2006, 53-56).

### ۳. روش‌شناسی تحقیق

با توجه هدف تحقیق، پرسش اصلی این پژوهش آن است که «وظایف نهاد حسبه در مقایسه با مدیریت شهری چگونه است؟» این تحقیق، کیفی و فاقد فرضیه پژوهشی است؛ داده‌های آن کیفی بوده که در مراجعه به اسناد و مدارک کتابخانه‌ای به دست آمده، و برای تحلیل آنها از روش کیفی فراترکیب استفاده شده است.

محققان در مطالعات پیشین، هرکدام به نوعی وظایفی را برای نهاد حسبه در نظر گرفته‌اند. این



پژوهش برآن است تا با ترکیب آنها مدلی از وظایف نهاد حسبه را بر مبنای روش تحقیق فراترکیب<sup>۱</sup> ارائه کند تا سرانجام با وظایف امروزی مدیریت شهری مقایسه شود. فراترکیب، روشی است کیفی که از طریق یکنواخت ساختن داده‌های مطالعات گذشته و مقایسه آنها با یکدیگر برای ایجاد تئوری‌ها یا روایات داده مبنای<sup>۲</sup> مورد استفاده قرار می‌گیرد. (Beck, 2002; Sandelowski et al., 1997) فراترکیب در قیاس با فراتحلیل<sup>۳</sup> که متکی بر اطلاعات کمی حاصل از ادبیات موضوع و رویکردهای آماری محض است، به وسیله یکنواخت ساختن یافته‌های مطالعات کیفی مختلف گذشته؛ برای تولید اطلاعات جامع و تفسیری مورد استفاده قرار می‌گیرد (Clemmens, 2003). به علاوه، برخلاف فراتحلیل که برای تعمیم دادن موضوعات مورد استفاده قرار می‌گیرد، فراترکیب، نسبتی با تعمیم دادن موضوعات ندارد (Noblit and Hare, 1988). اگرچه فراترکیب ابزار شایسته‌ای برای تسهیل روش ساخت تئوری در میان ترکیب‌های سیستماتیک است، اما همچنان به‌عنوان رویکردی به نسبت جدید در پژوهش‌های علوم اجتماعی در ایران شناخته می‌شود. از آن جهت که فراترکیب، ترکیبی تفسیری به جای خلاصه جامع یافته‌ها، به ما می‌دهد، در پژوهش حاضر از این روش برای مقایسه، تفسیر و ترکیب تحقیقات مختلف پیشین استفاده می‌شود. این روش نه تنها یگانگی تفسیرهای منحصر به فرد را حفظ می‌کند، بلکه اختلاف‌های موجود را هم آشکار می‌سازد که می‌تواند محققان را در فهم چگونگی ارتباط مطالعات مختلف توانمند کند.

در زمینه حسبه کتاب‌ها و مقاله‌های متعددی تألیف شده و هرکدام به نوعی به بیان وظایف آن پرداخته‌اند. در این مقاله آن منابع جمع‌آوری شده و این وظایف یکدست می‌شوند و در نهایت مدلی مبتنی بر آنها ارائه می‌شود. ارائه این مدل در مراحل ذیل صورت می‌پذیرد:

۱. مطالعه متون (کتاب‌ها و مقاله‌های) مختلف و استخراج وظایف گوناگون حسبه از آنها؛ در این مرحله، پس از جمع‌آوری منابع موجود و مطالعه آنها، عبارت‌های کلیدی که بیانگر وظایف نهاد حسبه بودند، استخراج شد؛
۲. تبدیل مواد استخراج شده به کد؛ در مرحله دوم عبارت‌های استخراج شده در مرحله اول، به صورت کد درآمدند، و هر یک از عبارت‌های استخراج شده به یک یا چند کد تبدیل شد؛
۳. دسته‌بندی و تبدیل کدهای مشابه به مفهوم<sup>۴</sup>؛ در این مرحله با مطالعه مجدد کدهای موجود، کدهای مشابه (وظایف مشابه) کنار یکدیگر قرار گرفته و مفاهیم ایجاد شدند؛

1. Meta Synthesis

2. Grounded Theory

3. Meta Analysis

4. Concept



۴. دسته‌بندی مفاهیم و ایجاد مقوله؛<sup>۱</sup>

در مرحله چهارم با مطالعه مجدد مفاهیم، مقولات به وجود آمدند تا براساس آنها بتوان مدل مفهومی وظایف نهاد حسبه را شکل داد؛

## ۵. تبدیل مقولات به مدل مفهومی؛

براساس مقولات حاصل از فرایند فراترکیب وظایف نهاد حسبه، مدل مفهومی آن ترسیم گردید.

## ۴. تحلیل داده‌ها

## ۴-۱. طبقه‌بندی وظایف نهاد حسبه و طراحی مدل مفهومی آنها

در مدیریت شهرهای ایران، نهاد حسبه اختیارات وسیعی داشت. بر مبنای روش‌شناسی تشریح شده وظایف متعدد نهاد حسبه از منابع مختلف استخراج و تبدیل به کد شده است. کدهای مشابه دسته‌بندی و به مفهوم تبدیل شده‌اند. در مرحله بعد مفاهیم دسته‌بندی شده و مقوله ایجاد می‌شود و سرانجام مقوله‌ها و مفاهیم، اجزای مدل مفهومی را شکل خواهند داد. نتیجه این فرایند و دسته‌بندی‌ها در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: استنتاج و طبقه‌بندی وظایف نهاد حسبه

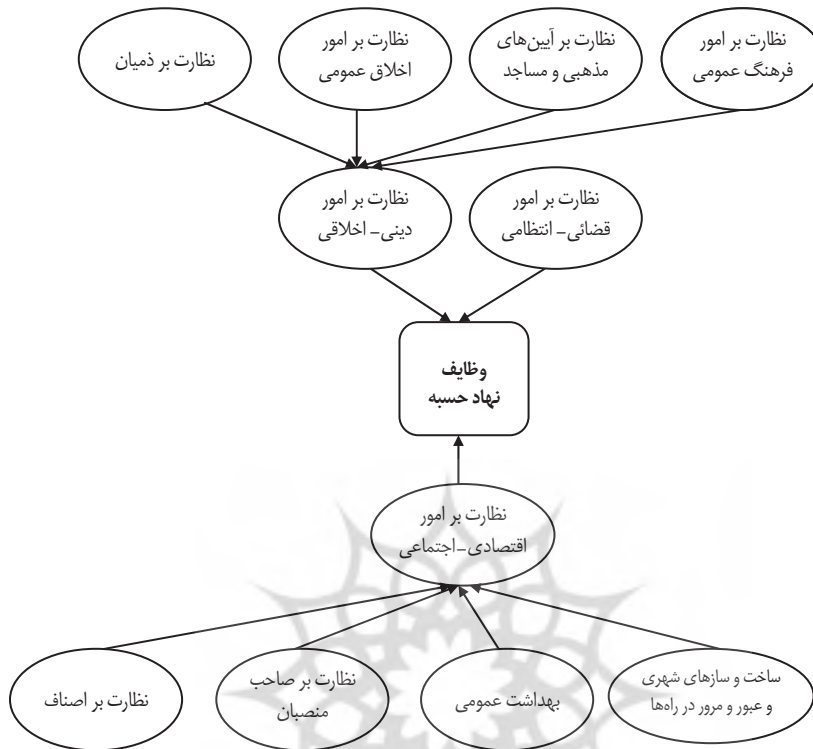
مقوله	مفهوم	کد	منبع استخراج کد
نظارت بر امور مذهبی اخلاق	نظارت بر آیین‌های مذهبی و مساجد	نظارت بر بزرگاری آیین‌های مذهبی به ویژه نماز	ماوردی، ۱۹۰۹، ص ۳۹۵-۳۹۷ نصر شیزری، ۱۴۰۱، ص ۱۱۰-۱۱۳ ابن عبدون، ۱۹۳۴، ص ۲۱۱-۲۱۶ سنامی، ۱۴۰۶، ص ۱۷۳-۱۷۶؛ ۳۶۴-۳۶۷
		نظارت بر رفتار کارکنان مساجد	
		سفارش به بازسازی و پاکیزگی مساجد	
		جلوگیری از آذان گفتن با صدای زشت	
		نظارت بر اداره مساجد	
		نگهداری و مرمت مساجد	
		امر به اقامه نماز به همسایگان مساجد	
		برپایی نمازجمعه با آداب مخصوص	
		جلوگیری از حضور افراد بی‌قیودند و بی‌توجه به آداب مسجد در آن	
	نظارت بر اخلاق عمومی	ممانعت از اعمالی که سبب آلودگی و حرمت‌شکنی مساجد هستند	الشروانی والعبادی، بی‌تا، ج ۹، ص ۲۱۹ خطیب شربینی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۱۱
		نظارت بر امام‌جماعت، واعظ، مؤذن و خادمان مسجد جهت انجام درست وظایف	
		نظارت بر اخلاق عمومی	
		بازداشتن زنان از شیون بر مردگان	
		بسیج مردم برای نماز جمعه	
		جلوگیری از بدعت در گفتارها و کردارها	
		تشویق زنان و دختران شوهر نکرده به ازدواج یا همسر درخور	
		نظارت بر ایام عده از سوی بیوگان و جدانشدگان	
		جلوگیری از مصرف مشروبات الکلی، قماربازی، خرید و فروش آلات موسیقی در ملا عام	
نبهی از اختلاط زنان و مردان در مراکز عمومی و اجتماع زن و مرد در مکان‌های خلوت			
نداشتن حق تجسس درباره منکرانی که در خانه‌ها و پنهانی سر می‌زد، مگر آنکه نشانه‌های منکر علنی شود			

مقوله	مفهوم	کد	منبع استخراج کد
نظارت بر فرهنگ عمومی	نظارت بر مراکزى که احتمال رفتارهای ناپسند اخلاقى بیشتر بود: مانند حمامها		نصر شبزرى، ص ۱۰۹-۱۱۰؛ ابن الاخوه، ۱۹۳۸، ص ۱۰۱-۱۰۷؛ ابن عبدون، ۱۹۳۴، ص ۲۱۶-۲۱۷؛ سنامى، ۱۴۰۶، ص ۹۸، ۱۳۲، ۲۹۲، ۲۶۴، ۱۵۳
		نظارت بر کیفیت غسل مردگان و کندن گور و آداب دفن و عزاداری	
	نظارت بر فرهنگ عمومی	نظارت بر کسانی که بر فرهنگ عمومی تأثیرگذار بودند (مانند اندرزگران، قصه‌پردازان، شاعران و معلمان)	ابن الاخوه، ۱۹۳۸، ص ۲۷۱-۲۷۴، ۲۷۵-۲۷۶
		نظارت بر مکتب‌خانه‌ها	
		سازماندهی و یکپارچگی جامعه	
		جولوگیری از گدایی کسی که توان کار کردن دارد	
		تأمین سرپناه برای کسانی که ندارند	
		سفارش مهتران به تأمین پوشاک و نیازهای ضروری بردگان	
		جولوگیری از بیگاری گرفتن دانش آموزان دور از چشم پدرانشان	
		جولوگیری از آموزش شعرهای دور از اخلاق به کودکان	
		احیای سنت پیامبر ﷺ مانند پاکیزگی جامه و خوشبوکردن خود و...	
		امتحان واعظان جهت تأیید صلاحیت آنان برای وعظ و سخنرانی	
		نظارت بر فالگیران و پیشگویان	
		ممانعت از از شعبده‌بازی و سحر و گفتارهای کفرآمیز	
		نظارت بر معلمان و مربیان کودکان	
	جولوگیری از تعلیم خطا به کودکان در مساجد		
	احراز صلاحیت‌های شیخی که مکتب‌داری می‌کرد		
	نظارت بر اینکه تأدیب شاگردان از حد مجاز فراتر نرود		
	ممانعت از بددهانی و فحش دادن		
	ممانعت از اینکه معلمان از شاگردان برای رفع نیازهای شخصی بیگاری نکشند		
ممانعت از تعلیم اشعار برخی شاعران به کودکان			
نظارت بر اینکه فردی امین و متاهل، مأمور آوردن بچه‌ها به مکتب‌خانه و بردن آنان به خانه باشد			
نظارت بر زمینان	نظارت بر اجرای صحیح قوانین ویژه زمینان	نصر شبزرى، ص ۱۰۶-۱۰۷؛ ابن الاخوه، ۱۹۳۸، ص ۹۲-۱۰۰	
	مراقبت از کار پیشه‌وران و تاجران و جستجو در احوال بازاریان	قلقشندی، ۱۳۸۳، ص ۴۶۰-۴۶۱؛ عمری، ۱۴۰۸، ص ۱۶۲-۱۶۴	
نظارت بر اصناف	جولوگیری از معاملات ناروا	ابن الاخوه، ۱۹۳۸، ص ۱۲۰-۱۲۱	
	قیمت‌گذاری بر کالا و اجبار فروشندگان به فروش با نرخ معین در وارد اضطرار		
	به فروش گذاشتن اجناس اختکار شده در صورت لزوم		
	ممانعت از خرید و فروش کالایی از ورود به بازار و کاروان سرا		
	نظارت بر صرافان به منظور جولوگیری از رواج پول‌های تقلبی	نصر شبزرى، ص ۷۴-۷۶؛ ابن الاخوه، ۱۹۳۸، ص ۱۲۶-۱۲۷	
	نظارت بر آنچه در منطقه نفوذ و اقتدارش بود	ابن الاخوه، ص ۳۲۴	
	نظارت بر پزشکی و دامپزشکی در خانه و بازار	علی بیبا، ص ۳۸-۳۹؛ محقق، ۱۳۶۹، ص ۲۱۴-۲۱۸	
	امتحان گرفتن از پزشکان با توجه به تخصص آنها		
	نظارت بر بازار بردگان	نصر شبزرى، ۱۳۸۹، ص ۹۸-۱۰۱، دهخدا	
	نظارت بر کارگاه‌های شیرینی پزی		
نظارت بر کار پزشکان، جراحان و داروسازان			
بازرسی نرخ‌ها و جولوگیری از احتکار، نظارت بر سنگ‌ها و پیمانها			

مقوله	مفهوم	کد	منبع استخراج کد		
نظارت بر صاحب‌منصبان	نظارت بر صاحب‌منصبان	نظارت بر کارهای تولیدی و صنعتی	نصر شیزری، ص ۱۱۳-۱۱۵، ۱۱۶-۱۱۵		
		بازرسی ضرب سکه و کار زرگران و خرید و فروش طلا			
		مراقبت از کار اهل کتاب غالباً در فعالیت‌های اقتصادی			
	نظارت بر بهداشت عمومی	نظارت بر بهداشت عمومی	ممانعت از اینکه قاضی با متهم به درستی سخن بگوید یا مجلس قضا را در مسجد برپا کند	نصر شیزری، ص ۱۱۳-۱۱۵، ۱۱۶-۱۱۵	
			موعظه و نصیحت والیان و امیران		
			تلاش برای رعایت بهداشت فردی و عمومی		
			پاکیزگی خیابان‌ها		
			مراقبت از بهداشت عمومی بازاربان		
			نظارت بر بهداشت آبرسانی، نظافت بازارها و راه‌ها و حمام‌ها و حمل زباله به بیرون شهر		
			ممانعت از آلودن آب نهرها و رودخانه‌ها و جلوگیری از ریختن فاضلاب رنگرزان، گازران و امثال آنان به آب نهر		
			مراقبت از اینکه سفایان از جایی آب بردارند که آبشخور حیوانات نباشد و زنان در نزدیکی آن شستشو نکنند		
			نظارت بر انتقال به مواد غذایی فاسد شده و زیان‌آور برای سلامتی مردم به بیرون از شهر		
			موظف کردن گرمابه‌داران به اینکه روزی چند بار با آب تمیز، کف حمام را بشویند، کثافات خزینه و حوضچه را پاک کنند و حمام را روزانه دو بار با مواد خوشبو بخور دهند		
	نظارت بر بهداشت عمومی	نظارت بر بهداشت عمومی	مانعت از ورود جذامیان و مبتلایان به برص به حمام‌های عمومی	نصر شیزری، ص ۲۲، ۲۳، ۵۹، ۸۸-۸۷	
			نظارت بر رعایت بهداشت عمومی از سوی سلاخ‌ها و قصاب‌ها		
			الزام به رعایت نظافت از سوی طبّاخان، کباب‌فروشان، جگرپزبان و دیگر صنف‌هایی که مواد غذایی و انواع نوشیدنی به مردم عرضه می‌کردند		
			الزام به رعایت بهداشت در تهیه نان		
			نظارت بر بنای ساختمان‌های عمومی و خصوصی		ابن الاخوه، ۱۹۳۸، ص ۱۵۷، ۱۵۴-۱۵۹، ۱۶۰-۱۶۳، ۱۶۴-۱۶۳، ۱۷۴-۱۷۳
			جلوگیری از سد معبر		
			بازسازی مساجد، ساختن دیوارهای شهر، نگهداری از جاده‌ها		
مراقبت از بازارها تا فراخ و مرتفع ساخته شوند؛ اگر بازار سنگ‌فرش نیست در دو سوی بازار، پیاده‌روها سنگ‌فرش شوند؛ مغازه‌ها در ردیف منظم ساخته شوند و پیشخوان مغازه‌ها به اندازه‌ای باشند که مزاحم عبور و مرور نشوند					
ممانعت از قرار گرفتن اصناف نامتجانس در کنار هم					
نظارت بر مواد ساختمانی و بنایان و کارگران نیز نظارت تا ساختمان‌ها با استحکام بیشتری ساخته شوند					
جلوگیری از هرگونه سد معبر و مزاحمتی که برای عبور و مرور مردم ایجاد می‌شد					
جلوگیری محتسب از حمل و نقل هیزم و خار در بازارها که موجب پارگی لباس مردم می‌شد، آب زدن راه‌ها به حدی که لغزنده شوند، انداختن پوست میوه و زباله در راه‌ها					
نظارت بر ساخت‌وسازهایی شهری و عبور و مرور در راه‌ها	نظارت بر ساخت‌وسازهایی شهری و عبور و مرور در راه‌ها	رسیدگی به اختلافات میان افراد یک شغل یا افراد چند شغل	نصر شیزری، ص ۱۱-۱۲، ۱۴		
		مبارزه با جرم و طرح دعوی کیفری			
		اعلام جرم فردی			
		مسئول بازارها و اخلاق عمومی			
		حق بازرسی، تحقیق و کشف جرم			
		داری قدرت اجرای احکام			
نظارت بر امور قضایی - انتظامی	نظارت بر امور قضایی - انتظامی	مبارزه با جرم و طرح دعوی کیفری	ساکت، ۱۲۸۲، ص ۴۵۳-۴۵۴، شلبلی، ۱۹۷۴، ص ۱۸۰		
		اعلام جرم فردی			
		مسئول بازارها و اخلاق عمومی			
		حق بازرسی، تحقیق و کشف جرم			
		داری قدرت اجرای احکام			
		مسئول بازارها و اخلاق عمومی			

براساس جدول شماره ۱ ترکیب وظایف نهاد حسبه از منابع مختلف را می‌توان در قالب مدل

مفهومی ذیل نشان داد:



شکل ۱: مدل مفهومی وظایف نهاد حسبه

بنابراین، می‌توان گفت نهاد حسبه به‌عنوان نهاد مدیریت شهری پیش از تصویب قانون بلدیه در ایران دارای سه وظیفه اصلی نظارتی اصلی بوده‌است: اول، نظارت بر امور دینی اخلاقی (شامل نظارت بر امور فرهنگ عمومی، نظارت بر آیین‌های مذهبی و مساجد، نظارت بر امور اخلاق عمومی و نظارت بر زمین)، دوم، نظارت بر امور اقتصادی-اجتماعی (شامل نظارت بر اصناف، نظارت بر صاحب منصبان، بهداشت عمومی و ساخت و سازهای شهری و عبور و مرور در راه‌ها) و سوم، نظارت بر امور قضائی-انتظامی.

#### ۴-۲. مقایسه وظایف نهاد حسبه با وظایف امروز مدیریت شهری

وظایف مدیریت شهری و شهرداری‌ها در ایران امروز را می‌توان ذیل سه عنوان کلان تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری شهری، برنامه‌ریزی و سازماندهی و امور اجرایی و خدماتی آورد که هر یک از آنها وظایف خردی را دربر می‌گیرند (کاظمیان و سعیدی، ۱۳۸۳) که در جدول ذیل خواهد آمد.

جدول ۲: دسته‌بندی وظایف فعلی شهرداری‌ها در ایران

وظایف کلان	وظایف خرد	
تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری شهری	تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری و هماهنگی امور شهری	
	ضوابط و مقررات شهری	
	نظارت و کنترل	
برنامه‌ریزی سازماندهی	برنامه‌ریزی شهری (شهرسازی)	
	برنامه‌ریزی اقتصادی و مالی	
امور اجرایی و خدماتی	عمران شهری	شبکه و تأسیسات حمل و نقل شهری
		ایجاد فضاها و اماکن شهری
		زیباسازی و بهبود محیط شهری
		زیرساخت‌ها و تجهیزات شهری و مسکن
	خدمات شهری	
	خدمات عمومی و اجتماعی	

هر یک از مقوله‌های سه‌گانه استخراج شده در جدول مربوط به وظایف نهاد حسبه (نظارت بر امور دینی-اخلاقی؛ نظارت بر امور اجتماعی-اقتصادی و نظارت بر امور قضائی-انتظامی) اشتراکاتی با وظایف شهرداری‌های امروز در ایران و به تبع آن ابعاد شش‌گانه مدیریت شهری دارند. مقایسه آن مقولات با هر یک از این موارد نشان خواهد داد کدام یک از وظایف نهاد حسبه، امروزه به شهرداری‌ها واگذار شده و امکان واگذاری وظایف جدیدی به شهرداری‌های امروز در ایران وجود دارد.

شرح وظایف نهاد حسبه در جدول شماره یک گویای این واقعیت است که وظایف این نهاد در دوره فعالیتش بیشتر ماهیتی نظارتی و اجرائی داشته و چندان وارد حوزه‌های برنامه‌ریزی و سازماندهی نمی‌شده است. بنابراین، اشتراک‌های وظایف نهاد حسبه و شهرداری‌های امروز، برحسب جدول یادشده در دو عرصه تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری شهری و به ویژه امور اجرائی و خدماتی شهر قرار می‌گیرند و هر یک از این وظایف به گونه‌ای در یکی از نظام‌های شش‌گانه عملکردی شهر قرار می‌گیرد. مدیریت شهری یکپارچه دارای شش حوزه عملکردی ذیل است:

– **سیاست‌گذاری شهری:** یکی از مؤلفه‌های مدیریت شهری توازن است؛ علم سیاست بررسی می‌کند چه کسی، چه چیزی را چگونه به‌دست می‌آورد و چگونه باید به‌دست آورد و چگونه به‌دست خواهد آورد؟ مقولاتی از قبیل سهم گروه‌های قدرت در منابع شهر و عدالت در نظام توزیع منابع شهر در این بعد حائز اهمیت است؛

– **اقتصاد شهری:** این حوزه مشخص می‌کند که در شهر چه چیزی، با چه ترکیبی و چه ارزشی تولید شود. این ظرف تولیدات و تولیدات ناخالص شهری تأمین مالی شهر را به عهده خواهند داشت؛

– **اجتماع و فرهنگ شهری:** حوزه اجتماعی به کمیت و کیفیت جمعیت شهرنشین گفته می‌شود که ناظر به جمعیت‌شناسی و جامعه‌شناسی شهری است؛

– **تکنولوژی شهری:** این بعد ناظر به سطح تکنولوژی موجود اعم از سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در شهر و نوع استفاده از آنهاست؛

– **قوانین شهری:** قوانین باید تسهیلگر و پشتیبان باشند و رفتارهای کنشگران شهری را پیش‌بینی‌پذیر کنند؛

– **محیط شهری:** محیط طبیعی و محیط مصنوع را از حیث کیفیت و کمیت شامل می‌شود. اینکه آیا محیط مصنوعی چقدر کارآمد است، آیا به اندازه کافی محیط مصنوع وجود دارد؟ آیا محیط با کیفیت وجود دارد یا نه؟

بررسی و مقایسه وظایف نهاد حسبه با حوزه‌های عملکردی شش‌گانه یادشده نشانگر این است که دامنه فعالیت نهاد مزبور هر شش حوزه را به فراخور زمان و مکان فعالیت پوشش می‌داده است. در عین حال همین نهاد یک سلسله وظایفی را برعهده دارد که برای مدیریت شهری امروز کمتر رایج و متصور است. از جمله آنها می‌توان نظارت بر فرهنگ عمومی و نظارت بر اخلاق عمومی را نام برد.

## ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مدیریت شهری در زمان حیات نهاد حسبه، آخرین رگه‌های سنت مدیریت شهری ایرانی است؛ چراکه در سال‌های منتهی به ۱۲۸۶ ش، با تصویب قانون بلدییه و جایگزینی نظام مدیریت شهری عاریتی از غرب به جای مدیریت شهری ایرانی، در عمل شاه‌رگ حیاتی مدیریت شهری ایرانی که ارتباط و ارتزاق آن از نظام‌ها و سنت‌های بومی ایران در سازماندهی سطوح مرکزی و محلی است قطع می‌شود و دوره جدیدی در تاریخ مدیریت شهری ایران پدید می‌آید. با این تغییر ساختاری و سازمانی برخی نهاد و سازمان‌های محلی مانند حسبه که وظایف گسترده و متعددی را به‌عهده داشت، در عمل از میان می‌روند و وظایف آنها به نهادها و سازمان‌های جدید واگذار می‌شود.

مدل مفهومی وظایف حسبه نشان می‌دهد این نهاد بر همه امور دینی-اخلاقی، اجتماعی-اقتصادی و قضایی-انتظامی نظارت داشته و در کنار دیگر نهادها، نظام مدیریت شهرهای ایرانی را تا پیش از زمان تصویب قانون بلدییه شکل می‌داده است. البته این نوع از مدیریت شهری در ایران کاستی‌هایی نیز داشته است. از جمله اینکه مردم در اداره شهرها نقشی منفعلانه داشتند و مناسبات حکومت مرکزی با حکومت محلی تعیین‌کننده مدیر شهر بود. از سوی دیگر، با افزایش جمعیت شهرها و گسترش روزافزون نیازهای مردمی، آن نظام مدیریت شهری پاسخگو نبود، اما گرت‌برداری بی‌چون و چرا از مدل‌های غربی نیز چاره کار نبود.

هرچند ناتوانی احتسابیه در کنترل حوزه‌های تحت نظارت به تدوین قانون بلدیه انجامید، ولی گستردگی حیطه وظایف این نهاد بیانگر شواهدی مبنی بر وجود نظام مدیریت یکپارچه در آن دوران است. این جامعیت وظایف نهاد حسبه به نحوی بود که حتی نظارت بر اخلاق عمومی جامعه را نیز به عهده داشت، چیزی که در شهرهای فعلی جای خالی آن احساس می‌شود.

اگرچه در شرایط فعلی امکان بازساخت و احیای نهاد حسبه با وضع پیشین آن وجود ندارد، چراکه وظایف آن به سازمان‌هایی مانند نیروی انتظامی، شهرداری و... واگذار شده؛ ولی حتماً می‌توان از آن به‌عنوان یک نظام و الگوی مدیریت شهری یکپارچه تجربه شده که ریشه در سنت‌های ما داشته بهره‌برداری کرد. از آنجا که شهر، نظام‌واره‌ای پویاست و عملکردها و ساختارهای آن به‌طور پیوسته با هم تعامل دارند؛ ازاین‌رو، برای تنظیم این روابط و پایداری سیستم، هماهنگی و یکپارچگی در مدیریت آن ضروری است. به سخن دیگر، یکی از مؤلفه‌های مهم مدیریت شهری برای رسیدن به شهر پایدار، یکپارچگی در عرصه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و نظارت است که نهاد حسبه مبین و معرّف تجربه‌ای مّلی در این باره است. مشخصه‌ای که جای خالی آن در اُفت کارایی و اثربخشی مدیریت شهری امروز شهرهای ایرانی بسیار محسوس بوده و پژوهش‌ها و پژوهشگران ذی‌ربط بر آن تأکید دارند. ازاین‌رو، می‌توان الگوگرفتن از تجربه نهاد حسبه برای مدیریت شهرهای ایران و بررسی عرصه‌های مدیریت شهری موجود در تجربه حسبه که در مدیریت شهری نیامده را پیشنهاد کرد؛ به نحوی که می‌توان بُعدی با مضمون یا نام «بُعد فرهنگی» به حوزه‌های عملکردی مدیریت شهری افزود که وظیفه نظارت بر مسائل فرهنگی و اخلاقی جامعه شهری را به عهده داشته باشد.



## منابع

۱. ابن الاخوة (۱۹۳۸)، معالم القربة في احكام الحسبة، كمبريج.
۲. ابن تیمیه، الحسبه في الاسلام، بی تا.
۳. ابن عبدون، رساله في القضاء والحسبة، لوی پروانسال، JA, ccxiv, no.2, Avril-june 1934.
۴. احمد گیوی، حسن (۱۳۸۹)، لغت نامه فارسی (بزرگ)، تهران، دانشگاه تهران، مؤسسه لغت نامه دهخدا.
۵. اطروش، حسن، كتاب الاحتساب = A Zaidi manual of hisbah of the 3rd century (H)”, Rvista studi oriental, vol. 28, (1953).
۶. بادکوبه هزاوه، احمد (۱۳۸۰)، «اولین نشانه نهاد حسبه در سرزمین های اسلامی»، مجله تاریخ اسلام، شماره ۷.
۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸)، حسبه، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۳.
۸. برک پور، ناصر (۱۳۸۱)، گذار از حکومت شهری به حاکمیت شهری، رساله دکتری شهرسازی، دانشگاه تهران.
۹. برک پور، ناصر و ایرج اسدی (۱۳۸۸)، مدیریت و حکمروایی شهری، دانشگاه هنر.
۱۰. جعفری، یعقوب (۱۳۶۳)، «تشکیلات اداری (۷): شهرسازی و شهرداری در تاریخ اسلام»، مجله درس هایی از مکتب اسلام، شماره ۲۷۹.
۱۱. خطیب شربینی، محمد بن احمد، مغنی المحتاج الی معرفة معانی الفاظ المنهاج، مع تعلیقات جو بلی بن ابراهیم شافعی، بیروت: دارالفکر، بی تا.
۱۲. دهخدا، لغت نامه، حسبه.
۱۳. رشدیه، سعدالدین (۱۳۴۲)، شهرسازی و طرح ریزی شهر در ایران، انتشارات اتحادیه شهرداری های ایران.
۱۴. ساکت، محمدحسین (۱۳۸۲)، دادرسی در حقوق اسلامی: سرشت و سرگذشت نهاد دادرسی و سازمان های وابسته از آغاز تا سده ی سیزدهم هجری، تهران: انتشارات میزان.
۱۵. سری، ابوالقاسم (۱۳۷۸)، «منصب محتسب در ایران»، مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۳.
۱۶. سعیدی رضوانی، نوید (۱۳۷۳)، بهبود مدیریت شهری، دفتر مطالعات برنامه ریزی وزارت کشور.
۱۷. سلطانزاده، حسین (۱۳۶۵)، مقدمه ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران، تهران: انتشارات آبی.

۱۸. سنای، عمر بن محمد، نصاب الاحتساب، چاپ مرین عسیری، مکه ۱۴۰۶/۱۹۸۶.
۱۹. شبارو، عصام محمد (۱۹۹۲)، القضاء و القضاة فی الاسلام، «العصر العباسی»، بیروت: دارالنهضة العربیه.
۲۰. الشروانی، حواشی، العبادی، ابن قاسم، علی تحفة المحتاج بشرح المنهاج، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۲۱. شلبی، احمد (۱۹۷۴)، السیاسة و الاقتصاد فی التفكير الاسلامی، قاهره: مكتبة النهضة المصریه.
۲۲. شیزری، عبدالرحمان بن نصر، نهاية الرتبة فی طلب الحسبة، چاپ سیدباز عرینی، بیروت، ۱۹۸۱/۱۴۰۱.
۲۳. صرامی، سیف الله (۱۳۷۷)، حسبه نهاد حکومتی، قم: انتشارات بوستان کتاب.
۲۴. علی، داوود سلمان، الحسبة فی الطب و الجراحة عند العرب، در دراسات فی الحسبة و المحتسب عند العرب، بغداد: جامعة بغداد، بی تا.
۲۵. عمری، ابن فضل الله، التعریف بالمصطلح الشریف، چاپ محمد حسین شمس الدین، بیروت، ۱۹۸۸/۱۴۰۸.
۲۶. قلقشندی، احمد بن علی، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، ج ۵، قاهره: بی جا، چاپ افست ۱۹۶۳/۱۳۸۳.
۲۷. کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۰) و نوید سعیدی رضوانی (۱۳۸۱)، امکان سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری ها، ج ۲، انتشارات سازمان شهرداری ها.
۲۸. کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۶)، «درآمدی بر الگوی حکمروایی شهری»، مجله جستارهای شهرسازی، ش ۱۹-۲۰.
۲۹. کاظمیان، غلامرضا، «نگاهی به صد سال مدیریت شهری نوین در ایران»، مجله شهرداری ها، س ۸، ش ۸۰.
۳۰. کاظمیان، غلامرضا، نوید سعیدی رضوانی (۱۳۸۳)، امکان سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری ها، ج ۳، انتشارات سازمان شهرداری ها.
۳۱. ماوردی (۱۹۰۹)، احکام السلطانیة، مطبعة الخانجی، الطبعة الاولى.
۳۲. نصر الشیزری، عبدالرحمن (۱۹۸۱)، نهاية الرتبة فی طلب الحسبة.
33. Beck, C. (2002), "Mothering multiples: a meta-synthesis of the qualitative research", MCN, *The American Journal of Maternal Child Nursing*, Vol. 27, No. 4, pp. 282-7.

34. Clemmens, D. (2003), "Adolescent motherhood: a meta-synthesis of qualitative studies", MCN, *The American Journal of Maternal/Child Nursing*, Vol. 28 No. 2, pp. 93-9.
35. Mattingly, M. (1994), *Meaning of Urban Management*, Cities, Vol. 11, No. 3.
36. MacGill, R. (1998), *Urban Management in Developing Countries*, Cities, Vol. 15, No. 6.
37. Noblit, G.W. and Hare, R.D. (1988), *Meta-Ethnography: Synthesizing Qualitative Studies*, Sage, Newbury Park, CA.
38. Stren, R. (1993), *Urban Management in Development Assistance*, Cities, Vol. 10, No. 2.
39. Van Dijk, M. Pieter (2006), *Managing Cities in Developing Countries: The Theory and Practice of Urban Management*, Edward Elgar Publishing.
40. Werna, E. (1995), *The Management of Urban Development, or the Development of Urban Management? Problems and Premises of an Elusive Concept*, Cities, Vol. 12, No. 5.

